

قلمرو حقوق همسر در روابط زناشویی از منظر فقه و حقوق خانواده

سعید نظری توکلی* / فاطمه کراچیان ثانی**

چکیده

نیازهای جنسی انسان در کنار نیازهای عاطفی او مورد توجه اسلام قرار گرفته است. از آنجا که کانون خانواده تنها محلّ قانونی - اخلاقی تأمین این نیازهاست و خانواده نیز با در کنار هم قرار گرفتن زن و مرد شکل می گیرد بایستی این نیازها برای هر دو نفر آنها به رسمیت شناخته شده و ساز و کار تأمین آن نیز در نظام فقه اسلامی در نظر گرفته شود. هرچند در دیدگاه گروهی از فقها، زن، تنها جایگاه پذیرنده داشته و تأمین نیازهای جنسی شوهر از جمله وظایف او به حساب می آید اما پژوهش حاضر نشان می دهد که تأمین نیازهای جنسی، حقّ و وظیفه ای متقابل برای هر یک از زن و شوهر است؛ از اینرو، هرچند وظیفه زن، تمکین از شوهر خود می باشد اما در برابر، وظیفه مرد نیز افزون بر پرداخت نفقه، تأمین نیازهای جنسی همسر خود خواهد بود. بر این اساس، حکم به وجوب آمیزش هر چهار ماه یکبار بر شوهر، تنها ناظر به شرایطی است که زن پیش از آن، متقاضی رابطه جنسی نباشد؛ همچنان که وجوب تمکین بر زن، ناظر به وضعیتی است که خود زن نیز تمایل به برقراری رابطه جنسی داشته باشد. بدین ترتیب، بهره وری و برقراری رابطه جنسی، حقّ و وظیفه ای دو سویه است که جز با توافق زن و شوهر بر انجام آن، مشروعیت پیدا نخواهد کرد.

کلیدواژه: حقّ، خانواده، حقوق خانواده، نیاز جنسی، همسر

۱- بیان مسأله

نیاز جنسی از جمله نیازهای نخستین انسان است که در ادیان الهی به رسمیت شناخته شده و تلاش برای تأمین آن، امری مقدّس شمرده شده است؛ هرچند ادیان مختلف برای تأمین آن، قالب و چارچوب‌های گوناگونی در نظر گرفته‌اند با این وجود، رویکرد غالب در جوامع پیشین نسبت به نیاز جنسی، رویکردی مردانه بوده، مرد را درخواست‌کننده و خواستار رفتار جنسی در نظر گرفته و زن را برآورنده و تأمین‌کننده نیاز مرد به حساب آورده‌اند که وظیفه‌ای جز پذیرش رفتار جنسی ندارد. تأثیرگذاری چنین نگرشی بر دیدگاه‌های فقهی، سبب شده است تا فقهای مسلمان با وجود رویکرد دوگانه اخلاقی - حقوقی آموزه‌های اسلامی به حوزه خانواده و تبیین وظایف و حقوق متقابل زن و شوهر در ساحت‌های مختلف زندگی، کمتر به حقّ زن در درخواست رفتار جنسی و وظیفه مرد به انجام آن، توجه کنند. تکلیف مرد به آمیزش با همسر خود هر چهار ماه یکبار صرفنظر از نیاز زن در خلال این مدت؛ حقّ زن در برخورداری از نفقه به شرط تمکین بدون توجه به تمایلش به انجام آمیزش و حقّ مرد در بهره‌وری جنسی از همسر خود در هر شرایطی و وجوب پذیرش آن بر زن؛ نشان از عدم توجه به حقّ زن در پذیرش یا عدم پذیرش رفتار جنسی، همچنین حقّ وی در درخواست انجام رفتار جنسی از همسر خود دارد. در این پژوهش بر آنیم تا با در نظر گرفتن نظرات مخالف و موافقی که در فقه شیعه موجود است و مطالعه تطبیقی آن با آرای فقهای اهل سنت، به حقوق متساوی بین زوجین در حوزه مسائل جنسی نزدیک شویم که تمایلات جنسی زنان را بیشتر به رسمیت می‌شناسد و برای آن قوانین و حقوق در نظر می‌گیرد.

این پژوهش هرچند در نگاه نخست، پژوهشی درون‌متنی و بر تحلیل آموزه‌های دینی فقهی استوار است؛ اما ضرورت‌های اجتماعی و واقعیت‌های موجود در نظام قضایی کشور، توجیه‌کننده انجام آن است. مراجعه به پرونده‌های مطرح در محاکم

خانواده به خوبی نشان می دهد که بخش بسیار زیادی از دعاوی خانواده یا به صورت مستقیم ناظر به نادیده انگاری نیازهای جنسی زنان توسط همسرشان است، و یا به صورت غیر مستقیم و به عنوان خواسته پنهان زنان در دیگر دعاوی، همچون دعاوی ناظر به سوء رفتار زوج یا تقاضای طلاق، مطرح است.

۲- نیاز جنسی در ساختار زنانه و مردانه

نیاز جنسی، نیازی مشترک میان زن و مرد است که چهار مرحله دارد: میل جنسی،^۱ انگیزتگی،^۲ ارگاسم^۳ و فرونشینی^۴ (سادوک و کاپلان، ۱۳۹۲: ۲۷۷/۲)؛ با این وجود، اگر بخواهیم میل جنسی را براساس دفعات افکار جنسی خودانگیخته، تمایل به فعالیت جنسی و آگاهی از نشانه های تمایل جنسی، اندازه گیری کنیم، بیشتر مردان، سطح پایه بالاتری از میل جنسی نسبت به زنان دارند. این تفاوت می تواند ریشه در مسائل زیستی داشته باشد. تخیلات جنسی واضح نزد زن و مرد شایع است، ولی محرک های بیرونی این تخیلات در دو جنس یکسان نیست؛ بسیاری از مرد ها نسبت به محرک های بینایی، زنان برهنه یا نیمه برهنه که شهوانی تصور می شوند و فقط به فکر ارضای جسمانی هستند پاسخ می دهند؛ در برابر، زن ها به داستان های عاشقانه با قهرمانان احساساتی واکنش می دهند که هیجان آنها برای قهرمان زن، آنها را به تعهد همیشگی نسبت به او و او می دارد (سادوک و کاپلان، ۱۳۹۲: ۲۸۰/۲).

از سوی دیگر، افزون بر تخلیه اسپرم (انزال)، دو تفاوت عمده نیز بین حالت های ارگاسم زنانه و مردانه وجود دارد: زن پس از تجربه یک ارگاسم، بر خلاف مرد، می تواند بلافاصله به ارگاسم دیگری نیز برسد، اگر پس از ارگاسم اول، تحریک جنسی

1-Desire
2-Excitement
3-orgasm
4-Resolusion

ادامه یافته و تنش جنسی او به زیر مرحله پلاتو^۱ نزول نکند؛ همچنین زن می تواند یک تجربه ارگاسم را به مدت نسبتاً زیادی حفظ کند (مسترز، جانسون، ۱۳۷۷: ۶۷).

۳- تبیین فقهی خواست یا درخواست زن

در میان فقهای مسلمان، دو دیدگاه درباره وجوب یا عدم وجوب تأمین نیازهای جنسی زن توسط همسرش یا دادن پاسخ مثبت به درخواست زن برای برقراری رابطه جنسی وجود دارد:

دیدگاه اول: عدم وجوب (نظریه مشهور)

از نظر مشهور فقهای امامیه، مرد مجاز به بهره وری جنسی از همسر خود است، مگر آمیزش به هنگام خونریزی ماهیانه (حیض) یا خونریزی پس از زایمان (نفاس) (عاملی، ۱۴۲۷: ۱۴۳/۶ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۰/۵)؛ در برابر، مرد وظیفه دارد تا زندگی همسر خود را (غذا و پوشاک) تأمین کند (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴/۴۲۸)؛ همچنین وظیفه دارد تا دست کم چهار ماه یکبار با همسر خود آمیزش کند و هر چهار شب یکبار با او همخوابی داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱۵/۲۹).

فقها درباره این که منظور از تمکین زن - که شرط استحقاق وی برای دریافت نفقه در ازدواج دائم است - چیست؟ دو احتمال مطرح کرده اند: یکی «تن دادن» (تسلیم النفس) و دیگری «خود را عرضه کردن» (بذل النفس) (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۱/۱۹۵)؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۲۷۷/۳). بر اساس احتمال اول، زن وظیفه دارد خود را در اختیار شوهر قرار دهد تا بدون دخالت عنصر زمان و مکان، شوهر بتواند از او بهره وری جنسی آزاد و نامحدود داشته باشد (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲/۲۹۱، نجفی، ۱۴۰۴: ۳۰۳/۳۱). اما بنا بر احتمال دوم، تنها تسلیم زن کافی نبوده، و افزون بر آن، تعریض و بذل نفس لفظی نیز لازم است (علّامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۱/۴)؛ بر همین اساس، در متون

روایی از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که بر زن لازم است از خوشبوترین عطرها، و زیباترین لباس ها استفاده کرده و خود را به نیکوترین وجه بیاراید و صبح و شب خود را بر شوهر عرضه کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۵۰۸). بدین ترتیب، حتی اگر زن به واسطه شرایط جسمانی امکان آمیزش نداشته باشد (دوره عادت ماهیانه)، می بایست نسبت به انجام سایر بهره وری های جنسی از سوی شوهر خود آماده باشد (روحانی، ۱۴۱۲: ۲۴۷/۲۲).

آن گونه که ملاحظه می شود، زن تنها در برابر دریافت نفقه (هزینه زندگی) موظف به پذیرش رابطه جنسی است، بدون این که تمایل و خواست وی در برقراری این رابطه تأثیری داشته باشد.

افزون بر این، زن با دریافت نفقه هیچ حقی برای داشتن رابطه جنسی نداشته و درخواست او برای انجام آمیزش یا هر گونه رفتار جنسی دیگر برای شوهرش تکلیف و وظیفه ای برای او ایجاد نمی کند؛ زیرا بنا به نظر مشهور فقهای امامیه، بر شوهر واجب است هر چهار ماه یکبار با همسر خود رابطه جنسی متعارف (وطی در قبل) داشته باشد، هرچند منجر به تخلیه اسپرم (انزال) هم نشود (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱۷/۲۹؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۷۵/۱۴) یا هر چهار ماه یکبار آمیزش همراه با تخلیه اسپرم داشته باشد (خمینی، ۱۴۲۲: ۹۷۲، طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹: ۵/۵۰۸؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۱۲۰/۳۲).

چنین نگرشی در میان فقهای حنفی نیز وجود دارد؛ هرچند آنان بر وجوب حفظ دیانت زن و پاکدامن نگه داشتن و عقیف ساختن وی تأکید دارند اما تصریح می کند که حق بهره وری جنسی (تمتع) اختصاص به مرد داشته، و مرد می تواند زن خود را وادار به انجام رابطه جنسی کند، اما زن حقی در این بهره وری نداشته و نمی تواند شوهر خود را به انجام رابطه جنسی وادار نماید (جزیری، ۱۴۱۹: ۱۴/۴).

به هر حال، نکته مهم آن است که وظیفه شوهر در خلال این چهار ماه، تنها اکتفا کردن به حداقل آمیزش جنسی (مسمای وطی) است، یعنی انجام عملی که موجب وجوب غسل (دخول به مقدار حشفه) می شود (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۰۴/۵؛ روحانی،

۱۴۱۲: ۲۲/۲۱۷؛ نه تأمین نیاز جنسی زن، هر چند بنا به آموزه های دینی، رساندن زن به اوج لذت جنسی (ارگاسم) تنها وظیفه ای اخلاقی برای مرد به حساب می آید و نه حق زن.

همچنین، هر چند حق قسم (همخوابگی) از جمله حقوق شرعی مشترک زن و شوهر در دوره زناشویی است که امکان اسقاط آن از سوی هر یک از آنها یا هر دو وجود دارد اما درباره این که منظور از آن چیست؟ چند برداشت متفاوت میان فقها وجود دارد:

۱- همبستری (مضاجعت)، یعنی هر چند که مرد دارای یک همسر باشد، زن تنها یک شب حق دارد که شوهرش با او در یک بستر باشد (محقق حلّی، ۱۴۰۸: ۲/۲۷۹) به گونه ای که در نظر عرف، در کنار هم بودن تحقق پیدا کند، هر چند تماس بدنی هم با یکدیگر نداشته باشند (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۵/۴۲۵؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۲/۸۰).

۲- از شب تا صبح در کنار هم بسر بردن (میت)، هر چند هم خوابگی هم اتفاق نیفتد، زیرا دلیلی بر وجوب آن نیست؛ چرا که ممکن است مرد نزد همسر خود باشد اما به واسطه انجام مطالعه، عبادت یا هر کار دیگری، در کنار وی نخوابیده باشد بدون این که با او قهر باشد یا خلاف حسن معاشرت عمل کرده باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۱۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۶/۱۳۶).

۳- در یک اتاق بودن، یعنی شوهر وظیفه دارد یک شب از هر چهار شب را در یک اتاق با زن خود بسر برد (روحانی، ۱۴۱۲: ۲۲/۲۳۳).

۴- در یک خانه بودن، یعنی مرد وظیفه دارد یک شب از هر چهار شب را در یک خانه بسر برند بدون این که آمیزش یا کنار هم خوابیدن لازم باشد (روحانی، بی تا: ۲/۵۲۵).

۵- رها نکردن زن (عدم هجران)؛ یعنی اگر مرد تنها دارای یک همسر است، می بایست با زن خود قهر نکرده، او را رها نکند و با او رفتاری نیکو (حسن معاشرت)

داشته باشد (اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۱۳/۳؛ سیستانی، ۱۴۱۷: ۱۰۴/۳)؛ زیرا هدف از تأسیس حقّ قسم، ایجاد انس و الفت بین زن و شوهر و جلوگیری از آزار همسران (در فرض چند همسری) و سرگردان گذاردن آنهاست (خمینی، بی تا: ۳۰۴/۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۷۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴۶۹/۵).

آن گونه که ملاحظه می شود، در حقّ قسم، مرد وظیفه ای برای تأمین نیازهای جنسی همسر خود ندارد؛ این حقّ تنها به یک شب از چهار شب محدود شده، و مرد در سه شب دیگر آزاد است.

دیدگاه دوم: وجوب (نظریّه غیر مشهور)

بر اساس آموزه های دینی، یکی از اهداف ازدواج، حفظ پاکدامنی (عفت) زن و مرد است؛ در نتیجه، نپذیرفتن حقّ جنسی زن در ازدواج، به جای آن که ازدواج را مایه حفظ عفت و پاکدامنی زن قرار دهد، می تواند به عامل انحراف او تبدیل شود (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۰۸/۵)، حال آن که قرآن ما را از آن بازداشته است؛ زیرا تمایلات جنسی هرچند پیش از ازدواج نیز وجود دارد، اما تجربه جنسی پس از ازدواج، سبب فعال شدن این نیاز مخفی می شود. بر این اساس، هدف نخستین در ازدواج برای زن و مرد، تأمین نیازهای عاطفی و جنسی است؛ هرچند سهم نیازهای عاطفی و نیازهای جنسی در زن و مرد یکسان نیست. از اینرو، برای مرد ضروری است که به خواست و درخواست زن در برقراری آمیزش جنسی توجه کند؛ آمیزش را ترک کند اگر زن مایل به انجام آمیزش نداشته باشد و اقدام به انجام آن کند، اگر زن درخواست انجام آن را داشته باشد و به عبارت دیگر، انجام آمیزش مشروط به زمانی است که زن و مرد هر دو تمایل به انجام آمیزش دارند.

نگاهی اینگونه هرچند مورد توجه بیشتر فقها قرار نگرفته است، اما می توان برای اثبات درستی آن به دلایل زیر استناد کرد:

۱- توسعه در مفهوم مانع: بنا بر نظر همه فقهای امامیه، «نبود مانع» شرط وجوب تمکین برای زن است. هرچند به نظر بیشتر فقها منظور از مانع، مانع عقلی

همچون بیماری یا مانع شرعی، یعنی عادت ماهیانه است که وجود هر یک از آنها سبب جواز امتناع زن از برقراری آمیزش جنسی متعارف (وطی در قبل) می شود (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۰۸/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۵۷۶/۷؛ فخر المحققین، ۱۳۸۷: ۲۷۴/۳)؛ اما با توجه به عرفی بودن مفهوم «مانع»، می توان با توسعه مفهومی در مانع، عدم تمایل زن یا وجود موانع روانی از امکان برقراری رابطه جنسی (چه به صورت آمیزش باشد یا سایر بهره وری های جنسی) را مانع فقهی تلقی کرد و بر اساس آن، تکلیف به وجوب تمکین را از زن برداشت؛ همان گونه که برخی از فقها قبول آمیزش جنسی را اگر برای زن ضرر داشته باشد، از زن برداشته و بر این باورند که در چنین حالتی، امتناع زن از آمیزش، سبب تحقق نشوز نخواهد شد (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۳/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۹۲/۲؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۳۲۷/۲۲).

۲- مشارکت زن و مرد در حقوق: با عنایت به مفاد آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي

عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) در همسان انگاری زن و مرد نسبت به داشتن حق در قبال یکدیگر و از آنجا که داشتن رابطه جنسی با شوهر، یکی از حقوق زن است بنابراین، همان گونه که درخواست مرد سبب فعلیت حق مرد در داشتن رابطه جنسی با زن می شود، درخواست زن نیز سبب فعلیت حق زن در داشتن رابطه جنسی با شوهر خود می شود؛ رابطه ای که هر چند منحصر به آمیزش نیست (زیدان، ۱۴۱۳: ۱۴۵/۳)؛ اما تأمین آن به مقدار متعارف بر مرد واجب است (بهوتی، ۱۴۰۲: ۱۹۲/۵؛ فهد عبدالله، بی تا: ۵).

به عبارت دیگر، بر اساس اصل همسان انگاری زن و مرد، هر چند گونه حقوق مرد و زن می تواند بنا به فهم عرفی (المعروف) متفاوت باشد (فاضل کاظمی، بی تا: ۵۲/۴؛ اردبیلی، بی تا: ۵۹۲؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۹۶/۲۵)؛ اما می توان مدعی شد که زن و شوهر در تمام شؤون فردی و اجتماعی زندگی، همسان یکدیگر هستند، مگر در مواردی که این همسانی استثناء شده است (اصفهانی، ۱۳۶۱: ۳۲۲/۲؛ حسینی شیرازی،

بی تا: ۲۵/۱). بر این اساس، بدون تردید، حق آمیزش یا حق رضایت به آمیزش، از جمله حقوق مشترک میان زن و مرد است که تا هر دو تمایل به ایفای آن نداشته باشند، امکان تحمیل آن بر طرف دیگر نیست.

چنین استدلالی میان فقهای سایر مذاهب نیز رواج دارد. گروهی از عالمان سنی با استدلال به آیه «و لهنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره: ۲۲۸) بهره وری جنسی را (استمتاع) را حق مشترک بین زوجین دانسته، و مدعی هستند که استمتاع و به دنبال آن پاکدامنی (عفت) یکی از مقاصد شریعت است و تفاوتی میان زن و مرد در آن نیست. (فهد عبد الله، بی تا: ۳-۴؛ زیدان، ۱۴۱۳: ۳۲۰/۷؛ ابن جزی، ۱۴۱۶: ۱۲۳/۱). از اینرو، بر مرد واجب است که زمان نیاز زن را در نظر بگیرد تا زن پاکدامنی را رعایت و از غیر شوهر خود بی نیاز شود و اگر به ناتوانی جنسی مبتلا است با استفاده از دارو، توان جنسی خود را تقویت کند تا توان تأمین نیازهای همسرش را داشته باشد (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۲۴/۳) بدین ترتیب، در صورت نبودن مانع، هریک از زن و شوهر می توانند متقاضی رابطه جنسی از همسر خود باشند و بر طرف مقابل نیز واجب است به این درخواست پاسخ مثبت دهد (الزحیلی، ۲۰۰۶: ۱۰۴؛ وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۷: ۳۱۲/۴۱).

روشن به نظر می رسد که عدم توجه به خواست زن برای آمیزش، رفتاری غیر معروف است، حال آن قرآن کریم مردان را به رعایت معروف در حق زنان خود فراخوانده است: «فَامْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحُ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۲۲۹) که یکی از مصادیق آن، تأمین نیازهای جنسی زن در دوره زناشویی است (کامل موسی، ۱۴۰۵: ۲۲). بنابراین، ادعای این که آمیزش، حق مرد است و نه تکلیف واجب بر وی، و اگر بخواهد می تواند حق خود را استیفاء کند یا آمیزش تنها یک بار بر مرد واجب است، زیرا مهریه با آن یکبار استقرار پیدا می کند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۶: ۶۳۴/۱۱) درست نبوده، و آمیزش بر مرد واجب است، زیرا مصداق معاشرت به معروف است و درخواست آمیزش از سوی زن با حیای او ناسازگار نیست (فهد عبد الله، بی تا: ۱۹).

بر این اساس، ادعای برخی از فقها مبنی بر این که در صورت نیاز جنسی شدید زن، بر مرد واجب است یا احتیاط اقتضا می کند که پیش از چهار ماه با همسر خود آمیزش کند، درست نیست (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹: ۵/۵۰۸)؛ زیرا با وجود داشتن حقّ جنسی برای زن، تفاوتی میان نیاز شدید و غیر شدید وجود ندارد؛ همچنان که انحصار حقّ جنسی زن به آمیزش نیز بی معناست. به همین خاطر، ادعای این که وجوب آمیزش بر مرد در صورت نیاز شدید وی، به واسطه وجوب نهی از منکر است یا چون بازداشتن دیگران از گناه واجب نیست، پس بر مرد، آمیزش پیش از چهار ماه واجب نیست، هرچند زن به واسطه عدم آمیزش در معرض گناه قرار بگیرد (خوئی، ۱۴۱۸: ۳۲/۱۲۱-۱۲۲) پذیرفتنی نیست.

۳- مشروط بودن عزل به رضایت زن: از جمله حقوق جنسی زن، تخلیه اسپرم در رحم او به هنگام آمیزش است. فقها در حکم فقهی عزل (عدم تخلیه اسپرم در رحم زن) اختلاف نظر دارند، گروهی نظیر سید مرتضی، سلار، و ابن ادریس به کراهت، و گروهی نظیر شیخ طوسی به حرمت آن باور دارند (سید مرتضی، ۱۹۹۸: ۲/۲۸۲؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۱۵۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/۶۰۷؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۲۶۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۳۵۹) فاضل مقداد با ترجیح قول به حرمت، مدّعی است که تخلیه اسپرم، سودی دو سویه برای مرد و زن دارد (اشتراک فائده)، پس جز با اجازه زن، جایز نخواهد بود (فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۳/۲۴). طرفداران نظریه حرمت به این دلایل استناد کرده‌اند: عزل موجب از بین رفتن حقّ کامجویی زن شده، و می تواند سبب آزار یا آسیب وی شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱۱/۲۹؛ انصاری شیرازی، ۱۴۲۹: ۱/۱۳۰؛ محسنی، ۱۴۲۴: ۱/۷۵) و سبب کاهش بهره وری جنسی زن گردیده (علّامه حلی، ۱۳۸۸: ۵۷۶) و مانع رسیدن زن به حقّ خود در بهره وری جنسی (استمتاع) شود (روحانی، بی تا: ۲۰۸).

بدین ترتیب، فقهای امامیه بر حقّ جنسی زن تأکید داشته و آن را به رسمیت شناخته اند. هرگاه کاهش لذّت جنسی زن، امری حرام یا دست کم مکروه باشد، بی توجهی مرد به نیاز زن و عدم پاسخگویی به درخواست وی، بدون تردید، حرام خواهد بود.

مسأله عزل در متون فقهی اهل سنت نیز از دو جهت مورد توجه قرار گرفته است: کامل نشدن عفاف جنسی زنان و عدم بارداری. تردیدی نیست که در زنان آزاد، چون آمیزش از جمله حقوق آنهاست عزل شوهر بدون رضایت همسرش جایز نیست (کامل موسی، ۱۴۰۵: ۲۵).

۴- حرمت ضرر رسانی به دیگری: با توجه به کارکرد چندگانه رابطه جنسی (آمیزش یا دیگر گونه های بهره‌وری جنسی)، بی توجهی شوهر به نیاز زن در خلال مدت چهار ماه، سبب بروز آسیب یا اختلال های روانی و حتی جسمی برای وی می شود؛ زیرا با توجه به تفاوت ساختار جسمی و روانی زنان و تأثیر شرایط مختلف آب و هوایی، سنّ و میزان وجود محرک های خارجی، این نیاز پیوسته در تغییر بوده و ادعای وجوب یک آمیزش در هر دوره ماهیانه (ابن حزم، بی تا: ۴۰/۱۰) یا وجوب یک آمیزش در هر چهار شب یکبار (غزالی، بی تا: ۵۰/۲)، موجّه نخواهد بود. از اینرو، ترک آمیزش از سوی شوهر به حکم قاعده نفی ضرر، اگر مفادّ این قاعده را ناظر به حکم تحریمی بدانیم (انصاری، ۱۳۷۵: ۳۷۲) حرام خواهد بود؛ و یا جواز ترک آمیزش در پیش از چهار ماه، حکمی است ضرری که بنا به قاعده نفی ضرر برداشته خواهد شد، اگر مفادّ قاعده را نفی حکم ضرری بدانیم (امیری، ۱۳۸۹: ۸۹-۹۲)

بدین ترتیب، اگر زن به سبب خودداری از شوهر از ارضای جنسی او، آسیب ببیند، و یا عدم پاسخگویی شوهر به درخواست زن، سبب آسیب جسمی یا روانی او شود، بر شوهر واجب است که نیاز جنسی همسرش را تأمین کند (شیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۰/۵).

هرچند فقهای حنبلی بر وجوب آمیزش با زن در خلال چهار ماه فتوا داده اند، اما مدعی اند که چون ازدواج به خاطر مصلحت زن و شوهر (زوجین)، و دفع ضرر از آن دو، تشریح شده و نکاح منجر به دفع ضرر شهوت از زن و مرد می شود پس آمیزش، حقّ مشترک آنهاست (الزحیلی، بی تا: ۳۱۲/۹) بنابراین، دست کم هر چهار ماه یکبار بر مرد واجب است با همسر خود آمیزش داشته باشد تا آسیبی به زن از ناحیه عدم تأمین نیازهای جنسی وی وارد نشود (کامل موسی، ۱۴۰۵: ۲۳؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۳۰۴/۷).

اگر چنین استدلالی را بپذیریم و مصلحت ازدواج را ناظر به مصلحت زن و شوهر در امور مختلفی از جمله تأمین نیازهای جنسی بدانیم، در این صورت همان گونه که حرمت ضرر رسانی به زن، سبب وجوب آمیزش در هر چهار ماه می شود، ممنوع بودن ضرر رسانی به دیگری سبب وجوب انجام آمیزش در کمتر از چهار ماه نیز خواهد شد، هرگاه زن خواستار انجام آن بوده و عدم اقدام مرد به آن، سبب آسیب دیدگی جسمی یا روانی وی شود.

توجه به اصل ضرر رسانی در رابطه با رفتارهای جنسی زن و مرد سبب شده است تا برخی از فقهای مالکی از یک سو مرد را موظف به حفظ و تقویت توان جنسی خود کرده تا بتواند نیازهای همسرش را تأمین کند و از سوی دیگر، به زن حقّ داده اند به خاطر آسیب دیدگی از عدم تأمین نیازهای جنسی اش در کانون خانواده، متقاضی جدایی (طلاق) باشد و قاضی را نیز موظف به پذیرش این درخواست کرده اند (قرطبی، ۱۳۸۴: ۱۲۴/۳؛ دسوقی، بی تا: ۴۳۱/۲ و ۳۹۷).

۵- حرمت در تنگنا قرار دادن زن: با عنایت به مفادّ قاعده نفی حرج، در شریعت اسلامی، حکمی وجود ندارد که مکلفان با انجام آن به سختی و دشواری بیافتند (انصاری، ۱۴۱۹: ۴۶۴/۲)؛ آنچنان دشواری که مردم برای رسیدن به اهداف خود، به طور عادی آن را تحمّل نمی کنند (صانعی، ۱۳۷۷: ۲۸۷)؛ بنابراین، اگر از

حکم به جواز ترک آمیزش تا چهار ماه و جواز عدم پاسخگویی به نیاز جنسی زن توسط شوهر، زن به دشواری افتاده یا در تنگنا قرار گیرد، این جواز برداشته شده، و بر مرد واجب است که به درخواست زن پاسخ مثبت دهد؛ همچنین حکم به وجوب تمکین زن، اگر این تمکین به واسطه شرایط جسمی یا روانی وی، سبب عسر و حرج زن شود، برداشته شده، و بر زن واجب نیست که به درخواست شوهرش پاسخ مثبت دهد.

۶- وجوب رعایت عدالت: عدم وجوب تأمین نیازهای جنسی زن در فاصله چهار ماه، مخالف با عدالت است، زیرا مرد حق آمیزش با سایر زنان را دارد (جواز چند همسری)، ولی زن از این حق برخوردار نیست (وجوب تک همسری) (فهد عبد الله، بی تا؛ ۴؛ زیدان، ۱۴۱۳: ۳۲۰/۷). اصل عدالت نیز یکی از اصول و قواعد کلی حاکم بر مقررات و احکام فقهی است که برگرفته از آیات و روایات بوده، و همچون قاعده نفی ضرر در تمام احکام جاری است (الهی خراسانی، ۱۳۹۲: ۲۰؛ اصغری، ۱۳۸۸: ۴۰).

افزون بر این، برخی از فقها با توجه به شمول پذیری عنوان «عرض» نسبت به همسر از یک سو، و وجوب شرعی حفظ آبرو از سوی دیگر، بر این باورند که مسئولیت رفع نیاز جنسی زن، دست کم به گونه ای که زمینه ساز عدم ارتکاب گناه او شود، بر عهده شوهر بوده، و نسبت به انجام آن تکلیف شرعی دارد (سبزواری، ۱۴۱۳: ۷۰/۲۴) همچنان که تأمین نیازهای جنسی همسر، مصداق آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِکُمْ نَارًا» بوده، و لزوم نهی از منکر آن را در بر می گیرد، «من جمع من النساء ما لاینکح فزنی منهن شیء فالإثم علیہ» (بحرانی، ۱۴۲۹: ۱۲۰/۱).

مطالب پیش گفته نشان می دهد که استناد به آیه «نِسَاؤُکُمْ حَرْتُ لَکُمْ فَأَتُوا حَرَکُمْ أُنّی سِتْمٌ» (بقره: ۲۲۳) برای اثبات عدم لزوم تأمین نیازهای زن پیش از چهار ماه موجه به نظر نمی رسد؛ زیرا از یک سو، به نظر برخی از فقها این آیه با عنایت به استفاده از دو واژه «حرت» و «لکم» در صد بیان حق مرد در تولید مثل و فرزند دار شدن بوده، و

ارتباطی با نوع یا زمان آمیزش ندارد (بحرانی، ۱۴۲۳: ۱۳۶؛ قمی، ۱۴۱۵: ۶۱). از سوی دیگر، به نظر بسیاری از فقها این آیه با پیش فرض مکانی دانستن واژه «آنی»، تنها ناظر به مشروعیت آمیزش نامتعارف (وطی در دبر) است (بحرانی، ۱۴۲۹: ۱۰۰/۱؛ تبریزی، بی تا: ۸۶/۱) و بر فرض که واژه «آنی» زمانی نیز باشد، تنها بر جواز درخواست آمیزش توسط مرد دلالت دارد، اما نافی لزوم وجوب پاسخ مثبت مرد به درخواست زن نیست؛ همچنان که اثبات کننده مشروعیت آمیزش مرد بدون تمایل زن نخواهد بود، زیرا اطلاق آن با دلایل پیشین که ناظر به حق زن در ممانعت از پذیرش آمیزش است، مقید می شود.

۷- وظیفه انگاری تمکین مرد و پیامد های آن: حق انگاری درخواست

آمیزش برای زن و وظیفه انگاری لزوم تأمین نیازهای جنسی زن توسط شوهر پیش از چهار ماه، آن گونه که گذشت، دو پیامد مهم دارد:

اول: استفاده از سازه فقهی «شرط ضمن عقد» برای مشروعیت بخشیدن به درخواست زن، امری نادرست است؛ زیرا استناد به شرط ضمن عقد مبتنی بر این پیش فرض است که زن هیچ حقی برای درخواست آمیزش پیش از چهار ماه نداشته، همچنان که شوهر نیز وظیفه ای برای انجام آن پیش از زمان ندارد؛ ولی بر اساس تأسیس شرط در ضمن اجرای عقد نکاح، زن برای خود چنین حقی را ایجاد می کند و شوهر نیز با پذیرش آن شرط، تعهدی اضافی را می پذیرد. حال آن که بنا به مطالب پیش گفته، حق زن برای درخواست آمیزش، حقی اولی و نه ثانوی و وظیفه مرد نیز برای انجام آن پیش از چهار ماه، وظیفه ای اولی و نه ثانوی است. در حقوق فرانسه هم رابطه جنسی، اثر طبیعی ازدواج است؛ هر چند شرایط ماهوی و شکلی عقد ازدواج به حساب نمی آید (دیانی، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

دوم: عدم اقدام مرد به انجام وظیفه خود (اعراض زوج) در تأمین نیازهای جنسی زن و پذیرش این عمل او به عنوان «نشوز»، برای زن، حق نصیحت (وعظ) زوج و

دعوت او به انجام وظایف زناشویی (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۳۱-۲۰۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۶۲/۸؛ طباطبائی قمی، ۱۴۲۶: ۲۲۰/۱۰) و حقّ مراجعه به دادگاه صالح (حاکم) در صورت تأثیر گذار نبودن نصیحت وی (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۳۶۲/۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۶۱۹/۲۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۸: ۱۵۳/۲) را ایجاد می کند. در صورتی که شوهر با دعوت دادگاه، به وظایف خود عمل نکند، دادگاه او را ملزم به انجام وظایف زناشویی می کند و اگر الزام دادگاه مؤثر واقع نشود، قاضی می تواند شوهر ناشز را به واسطه ترک وظیفه شرعی، تعزیر کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۳۱؛ خمینی، بی تا: ۳۰۶/۲؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۹/۲).

برخی از فقها نیز در چنین صورتی، مسأله الزام زوج به طلاق زن و در مرحله بعد، طلاق زوجه توسط دادگاه را مطرح کرده اند (طلاق حاکم) (خوئی، ۱۴۱۰: ۲۸۲/۲). بدین ترتیب، حقّ انگاری درخواست آمیزش توسط زن، ضمانت اجرای چند مرحله ای به دنبال خواهد داشت.

نتیجه گیری

از اهداف اصلی تشکیل خانواده در اسلام حفظ پاکدامنی هر یک از زوجین بر شمرده شده و این هدف گذاری برای حفظ هر یک از زن و مرد قرار داده شده است. پس اساساً نمی توان از زن یا مرد خواست که در حفظ عفت خود بکوشند در حالی که برای تأمین نیاز جنسی، طریق مشروع و معقولی در نظر گرفته نشده باشد. نیاز جنسی از نیازهای مشترک همه انسان هاست که اسلام در چهارچوب قوانین خانواده ای که وضع نموده، حقّ ارضای این نیاز را در نظر گرفته است. اگرچه میل جنسی در مردان سطح پایه بالاتری داشته باشد اما این نیاز در زنان با توجه به تفاوت های جسمی و روانی آنان نیز و تحریکات محیطی می تواند متفاوت باشد. پس انحصار رابطه زناشویی در بازه زمانی هر چهار ماه یکبار می تواند تبعات منفی در سلامت روح و جسم زن بجا گذارد.

از اینرو می توان با ادله متقنی همچون مشارکت زن و مرد در حقوق و دلایل عقلی و شرعی دیگری مثل جایز نداشتن عزل بدون اذن زوجه، ضرر وارد نکردن به وی، حرمت در تنگنا قرار دادن همسر صرفاً بر طبق نظر مشهور فقها محدوده آن را تنها به چهار ماه یکبار منحصر ندانست.

بنابراین، وجوب آمیزش در هر چهار ماه یکبار، آنگونه که مشهور فقهای امامیه بر آن هستند، مشروط به عدم درخواست زن برای انجام آمیزش پیش از این مدت است؛ همچنین، وجوب تمکین زن برای آمیزش جنسی بر اساس خواست مرد، مشروط به تمایل و خواست مشترک هر دو برای انجام آمیزش است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن جزی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، **التسهیل لعلوم التنزیل**، ج ۱، بیروت: شرکت دار الارقم بن ابن الارقم.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۲۶ق)، **فتح الباری**، ج ۱۱، ریاض: دار الطیبه للنشر و التوزیع.
- ابن حزم، علی بن احمد بن سعید (بی تا)، **المحلی**، ج ۱۰، بی جا: دار الفکر.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۲، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن قدامه، عبد الله بن أحمد بن محمد (۱۳۸۸ق)، **المغنی**، ج ۷، بی جا: مکتبه القاہرہ.
- اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، **زبدہ البیان**، تهران: المکتبه الجعفریہ.
- اصغرئیل، سید محمد (۱۳۸۸ش)، **عدالت به مثابه قاعده فقهی و حقوقی**، تهران: اطلاعات.
- اصفهانی، سید ابوالحسن (۱۳۹۳ق)، **وسیلہ النجاه**، ج ۳، شرح سید محمدرضا موسوی، قم: چاپخانه مهر.
- الهی خراسانی، علی (۱۳۹۲ش)، **قاعده فقهی عدالت**، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
- امین، نصرت (۱۳۶۱ش)، **مخزن العرفان در تفسیر قرآن**، ج ۲، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- امیری، حسین (۱۳۸۹ش)، **حقوق جنسی زن و شوهر در اسلام**، نشریه معرفت، ۱۵۴، ۸۳-۹۶.

۳۷۵ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۹ - پاییز و زمستان ۹۷

- انصاری شیرازی، قدرت الله (۱۴۲۹ق)، **موسوعه احکام الاطفال و أدلتها**، ج ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- انصاری (شیخ)، مرتضی بن محمد امین (۱۳۷۵ش)، **المکاسب**، ج ۲، تبریز: مطبعة الاطلاعات.
- همو (۱۴۱۹ق)، **فرائد الاصول**، ج ۲، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- همو (۱۴۱۵ق)، **کتاب النکاح**، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بحرانی، محمد سند (۱۴۲۹ق)، **سند العروه الوثقی - کتاب النکاح**، ج ۱، قم: مکتبه فک.
- همو (۱۴۲۳ق)، **فقه الطبّ و التضخم النقدي**، بیروت: مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره**، ج ۲۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- بهوتی، منصور بن یونس بن إدريس (۱۴۰۲ق)، **کشاف القناع**، ج ۵، بیروت: دار الفكر.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهيه فی شرح اللمعه الدمشقيه**، ج ۵، قم: کتابفروشی داوری.
- همو (۱۴۱۳ق)، **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**، ج ۸، قم: مؤسسه المعارف اسلامی.
- الجزیری، عبدالرحمن (۱۴۱۹ق)، **الفقه علی المذاهب الأربعة**، ج ۴، بیروت: دار الثقلین.
- حسینی شیرازی، سید محمد (بی تا)، **رسائل الثلاث**، ج ۱، بی جا: بی نا.
- **حقوق الزوجیه فی الاسلام** (بی تا)، (نرم افزار مکتبه الشامله)، بی جا: بی نا.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، **مستمسک العروه الوثقی**، قم: مؤسسه دار التفسیر.
- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، **تحریر الاحکام الشرعيه**، ج ۴، قم: مؤسسه امام صادق.
- همو (۱۳۸۸ق)، **تذکره الفقهاء**، قم: مؤسسه آل البيت.
- همو (۱۴۱۳ق)، **قواعد الاحکام**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- همو (۱۴۱۸ق)، **مختصر النافع فی فقه الإمامیه**، ج ۱، ج ۶، قم: مؤسسه المطبوعات الدينيه.
- حلّی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴ق)، **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، ج ۳، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۴۲۲ق)، **العروه الوثقی مع تعالیق الامام الخمينی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- همو (بی تا)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق)، **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، ج ۴، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، **منهاج الصالحین**، ج ۲، قم: نشر مدینه العلم.
- همو (۱۴۱۸ق)، **موسوعه الامام الخوئی**، ج ۳۲، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دسوقی، محمد عرفه (بی تا)، **حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر**، ج ۲، بیروت: دار الفکر.
- دیانی، عبد الرسول (۱۳۷۹ش)، **حقوق خانواده، ازدواج و انحلال آن**، تهران: امید دانش.
- روحانی، سید صادق (بی تا)، **المسائل المستحدثه**، بی جا: بی نا.
- همو (۱۴۱۲ق)، **فقه الصادق علیه السلام**، ج ۲۲، قم: دار الکتاب.
- همو (بی تا)، **منهاج الصالحین**، ج ۲، بی جا: بی نا.
- الزحیلی، وهبه (بی تا)، **الفقه الإسلامی و أدلته**، چ ۴، دمشق: دار الفکر.
- همو (۲۰۰۶م)، **حقوق الأسره الخاصه و العامه لأفرادها**، بیروت: دار الفکر.
- زیدان، عبدالکریم (۱۴۱۳ق)، **المفصل فی أحكام المراه**، ج ۳ و ۷، بیروت: مؤسسه الرساله.
- سادوک، بنجامین جیمز، سادوک، ویرجینیا، کاپلان، هرولد (۱۳۹۲ش)، **خلاصه روانپزشکی**، ترجمه فرزین رضاعی، چ ۶، تهران: ارجمند.
- سبحانی تبریزی، جعفر (بی تا)، **نظام النکاح فی الشریعه الإسلامیه الغراء**، قم: بی نا.
- سبزواری، سید عبد الاعلی (۱۴۱۳ق)، **مهذب الاحکام**، ج ۲۵، چ ۴، قم: مؤسسه المنار.
- سلار دیلمی، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴)، **المراسم العلویه**، قم: منشورات الحرمین.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۹۹۸)، **أمالی**، ج ۲، قاهره: دارالفکر العربی.
- سیستانی، سید علی (۱۴۱۷ق)، **منهاج الصالحین**، ج ۳، چ ۵، قم: دفتر آیه الله سیستانی.
- شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق)، **کتاب نکاح**، ج ۵، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
- صانعی، مهدی (۱۳۷۷ش)، **رفع حرج در شریعت اسلام**، مشهد: نشریه دانشکده الهیات مشهد، ۴۱-۴۲، ۲۶۹-۳۱۸.
- طباطبائی قمی، تقی (۱۴۲۶ق)، **مبانی منهاج الصالحین**، ج ۱۰، قم: منشورات قلم الشرق.
- طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۱۹ق)، **العروه الوثقی فیما تم به البلوی**، ج ۵، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۷۷ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۱۰ - شماره ۱۹ - پاییز و زمستان ۹۷

- طباطبائی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸ق)، **ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل**، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل البيت(ع).

- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، **کتاب الخلاف**، ج ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، **المبسوط**، ج ۴، ۳، تهران: مکتبه المرتضویه.

- عاملی، سید محمدحسین (۱۴۲۷ق)، **الزبدۀ الفقہیہ فی شرح الربوضہ البہیہ**، ج ۶، ۴، قم: دار الفقه للطباعه و النشر.

- غزالی، أبو حامد محمد بن محمد (بی تا)، **احیاء علوم الدین**، ج ۲، بیروت: دار المعرفه.

- فاضل کاظمی، جواد بن سعد (بی تا)، **مسالك الافهام**، ج ۴، بی جا: بی نا.

- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، **كشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام**، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- فخر المحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، **ایضاح الفوائد**، ج ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- فهد عبد الله (بی تا)، **حقوق الزوجیہ فی الاسلام**، بی جا: بی نا.

- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۸۴ق)، **تفسیر القرطبی**، ج ۳، ۴، ۳، قاهره: دار الشعب.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۵، ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

- کامل موسی (۱۴۰۵ق)، **مسائل فی الحیاء الزوجیہ**، بی جا: بی نا.

- مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵ق)، **کلمات سدیدہ**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۴ق)، **الفقه و مسائل طبیہ**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- مسترز، ویلیام؛ جانسون، ویرجینیا (۱۳۷۷ش)، **احساسات و پاسخ های جنسی انسان**، ترجمه هدايت موتابی، ج ۲، تبریز: فروزش.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، **کتاب النکاح**، ج ۶، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع).

- نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۲۹ و ۳۱، ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه (۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ق)، **الموسوعه الفقہیہ**، ج ۳، کویت: دار السلاسل.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی